

ابن عرب‌شاه

● اعظم مظاهری

احمد بن محمد بن عبدالله حنفی مذهب، عجمی لقب، انصاری نسب، دمشقی زادگاه، سنی کش در سال ۷۹۱ هـ.ق در دمشق متولد شد و پس از ۶۳ سال زندگی پرفراز و نشیب در حالی که شاهد حوادث و جنگ‌های خونین بسیاری بود در سال ۸۵۴ رخت از دنیا بربست. در سال ۸۰۳ هـ.ق که تیمور به دمشق حمله کرد وی نوجوانی ۱۲ ساله بود. بعد از آن به اجبار و شاید به رضای خاطر از دمشق به سمرقند رفت و از محضر میرسید شریف جوجانی و ابن اثیر جزری بهره برد. تا سال ۸۱۱ هـ.ق او در سمرقند بود و در این سال به فتنا از بلاد ترکستان شرقی نزد شرابی عالم علم حدیث رفت بعد از آن تا سال ۸۱۴ هـ.ق در خوارزم به زندگی خود ادامه داد و سپس از خوارزم به ادرنه از بلاد عثمانی رفت و مورد توجه سلطان محمد اول عثمانی قرار گرفت و در آنجا علاوه بر معلمی ولیعهد وی، سلطان مراد روم، دبیر مخصوص وی نیز شد و نگارش رسائل عربی، پارسی، ترکی و مغولی را به عهده گرفت. در سال ۸۲۴ هـ.ق وی از ادرنه به حلب رفته و یک سال بعد به زادگاه خود برمی‌گردد و نزد ابوعبدالله محمد بخاری علم حدیث می‌آموزد سال ۸۳۲ هـ.ق به مکه معظمه و سال ۸۴۰ هـ.ق به قاهره نزد ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی مؤلف تاریخ النجوم الزاهره می‌رود.

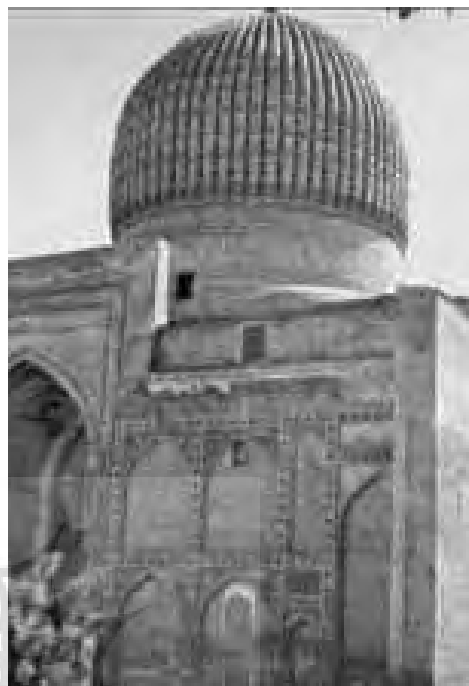
از ابن عرب‌شاه تألیفات و ترجمه‌هایی در دست است که می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

ترجمه جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات اثر نورالدین محمد عوفی و کتاب تفسیر قرآن تألیف ابواللیث نصر بن محمد فقیه سمرقندی حنفی که به ترکی ترجمه شده‌اند. علاوه بر آن کتاب تعبیر الروایای قادری تألیف ابوسعید نصر بن یعقوب دینوری است که در سال ۳۷۹ هـ.ق به نام القادر بالله خلیفه عباسی تألیف شده و توسط ابن عرب‌شان به نظم ترکی درآمد و به نام سلطان محمد عثمانی ترجمه شده است.

عجایب‌المقدور فی مثالب تیمور یا عجایب‌المقدور فی اخبار تیمور در شرح جنگ‌ها و صفات تیمور، فاکهه‌الخلفا و مفاکهه‌الظرفا از زبان وحوش و طیور که مجموعه روایاتی است به سبک کتاب کلیله و دمنه، کتاب التالیف الطاهر فی شیم ابی سعید حقمق، غره‌السیبر فی دول التترک و التتر، عقود النصیحه، العقد افرید فی علم التوحید و ... از دیگر تألیفات

و نیز به آن سبک که آنچه وی نموده آشکارتر است از آن که پوشیده تواند ماند و آنچه به شرار فتنه در خاور و باختر افروخته، روشن تر از آن که خاموش پذیرد، به قصد ذکر اینان برخاسته‌ام و از این کار امانت و اعتبار خواسته‌ام نه خودنمایی و اشتهار. تا آن زمان که نیت خالص و خاطر صادق بدانچه همت گماشتم مرا نیرو داد و از افکار پریشان و خاطر شوریده در قضایای تیمور نبشته‌ها گرد آوردم و تیر بیان از ترکش معانی به در کشیدم و تیغ زبان از نیام کار برآوردم و این مجموعه گرد آوردم تا آن کس که خواهان تفرج در منزلگاه تواریخ و سیر است به تکرار آن مداومت گزیند و آن که مایل به تمتع از بوستان انشاء و نگارش است از نیکوترین ثمرات آن برچیند.»

ابن عربشان در تألیف و نگارش کتاب خود سبک خاصی را به کار برده است که از آن جمله می‌توان به استفاده وی از لطیف و صنایع ادبی و انواع تجنیس و تشبیهات، استعارات و کنایات اشاره کرد که همگی این‌ها به سبب احاطه‌ی کامل وی به لغات عربی و متون ادبی است، از نظر برخی وی ذکر حوادث تاریخی را دستاویزی برای نشان‌دادن مراتب فضل و ادب و کمال فصاحت و بلاغت خود قرار داده است. خود وی در تأیید سبک موزون و ادبی اثر خود می‌نویسد: «شکر خدا را که از کلمات لطیف آن که لطیف‌تر و از معانی بدیع آنچه بدیع‌تر بود فراهم شد. نکته‌های شیوا و دقیقه‌های زیبا، گفتار نغز شاعران، سخنان شیرین سخن‌گویان، دقایق دانشمندان و حقایق فیلسوفان، مثل‌های شایسته و شواهد بایسته، تشبیهات شگرف و استعارات شگفت، جملات سحرآمیز علمای بیان و نامه‌های ارباب دفتر و دیوان گرد آمد، حماسه‌ی زیبا در این شیوه بیامیختم و معانی جدید به قالب هزل فرو ریختم و پیکر آن هم به زیور الات شریفه و زینت احادیث کریمه بیاراستم و بدان‌ها قصد خود بر جای نشاندم و صحبت خود به پایان بردم و اگر در نگارش آن طریق عربا گرفته و معانی آن به جامه‌ی الفاظ دور از ذهن پوشیده و مقصود خود در قالب سخنان غریب ریخته بودم هر آینه خوانندگان را بدان التفات نمی‌بود و به کوتاهی فهم خود درک معانی بلندش نمی‌توانستند. باین همه این عربشاه در کتاب خود می‌نویسد که وی درواقع از مقاله ادبی خود تنزل کرده و آن را به زبان رایج اهل زمان نوشته است سپس در مورد تفاوت اثر خود با گذشتگان می‌گوید: «پس



مقبره تیمور گورکانی در سمرقند معروف به گور امیر

منسوب به وی است. اما در بین آثار وی کتاب عجایب المقذور فی اخبار تیمور دارای شهرت بیشتری است. ابن عربشاه در کتاب خود بعد از سپاس خداوند و ذکر یگانگی و یکتایی وی و شهادت به درستی و استواری اسلام و رسالت پیامبر (ص) هدف خود را از تألیف این کتاب چنین بیان می‌دارد که: «چون پس از مرگ آدمی از وی جز مال و فرزند و دانش چیزی بر جای نمی‌ماند بر آن شدم که برای جاویدان کردن یاد و نام خود در میان آیندگان به کسب دانش پردازم و چون در میان تمام چیره‌دستان و چله‌گران و سرکشان و نافرمانان از مسلمان و کافر، بیدادگر و دادگستر، دوست و دشمن و آینده و رونده کس چون تیمور لنگ قد نیاراسته و عبرت‌انگیزتر از او برنخاسته

ابن عربشاه معاصر با تیمور زندگی کرده و حوادث تاریخی را به روشنی آورده است و همین امر سبب شده که کتاب وی مورد استناد محققین این دوره‌ی تاریخی قرار گیرد

ابن عربشان در تألیف و نگارش کتاب خود سبک خاصی را به کار برده است که دارای لطایف و صنایع ادبی و انواع تجنیس و تشبیهات، استعارات و کنایات است

ابن عربشاه

برد و مردمش را به فقر و تنگدستی درافکند و منزل‌های آن با خاک راه یکسان کرد و فرازش به نشیب فرود آورد شهر را از بن برانداخت و مدینه اسلام را دیار هلاکت ساخت.»

ابن عربشاه از نظر برخی دیگر، رعایت بی‌طرفی را در ذکر حوادث کرده است مثلاً در ذکر صفات تیمور آورده است که: وی اندیشه‌ای رسا، هوشی شگرف، بختی چیره، اختری دمساز، عزمی پایدار و رأیی استوار داشت، زبان‌آوری بلیغ و تیزخوش و بیدار دلی سخت‌کوش بود، فضلا و سادات و بزرگان را به‌سزا نواخته، آنان را گرامی و به خود نزدیک و بر همه عالمیان مقدم می‌داشتو دوستدار دانش و دانشمندان بود.»

اما آنچه در مورد عجایب المقذور حائز اهمیت است، ذکر این نکته است که ابن عربشاه معاصر با تیمور زندگی کرده و حوادث تاریخی را به روشنی آورده است و همین امر سبب شده که کتاب وی مورد استناد محققین این دوره‌ی تاریخی قرار گیرد. از جمله فصولی که در کتاب وی به آن‌ها پرداخته شده است می‌توان به: ذکر نژاد و نام و سبب استیلای تیمور بر بلاد، آغاز کشورگشایی تیمور و عزیمت وی به خوارزم، روش لشکرکشی او، عزیمت به هند و چگونگی نبرد آنکارا، مرگ تیمور و حوادث پس از مرگ وی، زندگی جانشینان تیمور تا دوران تسلط شاهرخ بر ایران اشاره نمود. یکی دیگر از مطالب حایز اهمیت در کتاب ابن عربشاه ذکر نامه‌های تیمور به ملک غیاث الدین سلطان هرات، شاه شجاع، شاه ولی فرمانروای مازندران، نایبان ولایات در حلب و ایلدر بایزید عثمانی است.

عجایب المقذور ابن عربشاه توسط آقای محمدعلی نجاتی ترجمه شده و در اختیار خوانندگان قرار گرفته است. ایشان در مورد ترجمه‌ی کتاب می‌گویند که برای پیدا کردن الفاظ متناسب و ترجمه لغات مترادف و انواع جناسات و حل بعضی دقایق و نکات پیچیده‌ی آن به‌سبب تنگی میدان لغات فارسی ناگزیر به مراجعه به منابع عالی ادبی و لغوی بوده‌اند و در عین حال تلاش کرده‌اند تا مفهوم و مطالب تاریخی کتاب با ترجمه‌ی آن منطبق باشد و جمله یا سطر از اصل مطلب حذف و یا متروک باقی نماند. علاوه بر این در ترجمه فارسی آن تلاش شده است تا جایی که مفهوم با تکلف و دشواری توأم نشود از سیاق متن که عبارات مقفی و مسجع بوده پیروی شود و اشعار عربی نیز به شعر ساده و روان فارسی برگردانده شده است و آیات قرآنی مورد استفاده مؤلف عیناً نقل گردیده است.

این کتاب را با آنچه ساخته و پرداخته ادیبان پیشین است از بسیاری جهات فرق و تفاوت در کار است از آن جمله این که زمان آنان به رفاه و آسایش دمساز بوده است و من در هنگامی زیستم که دست یاری زمان به مساعدتم برنخواست زیرا در دوران ایشان از پادشاهان و بزرگان و ارباب دانش و صاحبان جاه و بزرگی مردمی فضیلت دوست و ادب پرور بوده‌اند و هر کس را فراخور تمامش می‌ستودند و کم از این نبود که مردمی فضل و ادب را به طبع خوش می‌داشتند و به سرودش گوش فرا می‌دادند و فضل و هنر را فضیلت می‌شمردند و ادب را شیوه‌ای پسندیده می‌دانستند اما اکنون زمانه به کینه‌ی اهل آن می‌گردد و دارای فضل و ادب در خاندان خود و اهل دانش و هنر در کار خویش و دزدی می‌ماند که حاصل عمل به زیر دامان پوشیده دارد. دیگر آن که در این زمان مهن‌ها کندی گرفته و ذوق‌ها بیفسرده و آتش‌ها فرو نشسته است.» او همچنین اضافه می‌کند که بیشتر تصانیف از اخبار دروغ گرد آمده و به غرض آلوده است و نه با امری واقع مطابق است و نه با صورت خارج موافق. سپس در ذکر درستی مطالب کتاب خود می‌نویسد: «این کتاب را اخباری صادق و سخنانی به راستی ناطق و دقایقی با واقع مطابق است که منشی خاطر چنان که توانسته و خواسته در نیشته است و اگر دست مساعدت زمان آسایش حال و فراغ بال فراهم ساخته و روی زمین از گرد آندوه و معلمان پرداخته بود هر آینه به قدر امکان از عیب و عوارش می‌کاستم و با کوشش بسیار خود به تهذیب و تربیتش برمی‌خاستم.»

اما با این وجود سبک نگارش عجایب المقذور را برخی مغرضانه دانسته‌اند که از جمله‌ی آنان پرفسور بارتلد مؤلف کتاب الغ بیک و زمان وی، و همچنین هارلود لمب نویسنده‌ی تاریخ تیمور لنگ هستند که مطالب کتاب وی را معلول بغض و عداوت او دانسته و عبارات وی را به هجو و استهزا تعبیر نموده‌اند و این در صورتی است که از نظر برخی دیگر وی هر آنچه را که دیده و یا از افراد معتبر و موثق شنیده با بیانی شیرین و فصیح ذکر نموده است و وقایع لشکرکشی‌ها، تدابیر جنگی، نیرنگ‌ها، پیمان‌شکنی‌ها، خونریزی‌ها و کشتارهای وحشیانه‌ی تیمور، که انکارناشدنی است، آن‌طور که رخ داده ذکر شده‌اند. به‌طور مثال ابن عربشاه در مورد حمله‌ی تیمور به بغداد می‌گوید: «من از قاضی تاج‌الدین احمد مغمانی حنفی حاکم بغداد که سال ۸۳۴ هـ ق در دمشق درگذشته است شنیدم که تیمور پس از آن که اموال و قراین آن شهر را به تاراج